

مقاله پژوهشی: رویکردی به مبانی فقهی جهاد ترکیبی برای مقابله با جنگ

ترکیبی دشمن

محمود پاکیزه^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹

چکیده

جنگ ترکیبی با ابعاد متعدد شناختی و تغییر محاسبات ادراکی مسئولان و مجاهدان، اطلاعاتی و جاسوسی، امنیتی و ایجاد ناامنی، سیاسی تنش و فتنه، فرهنگی و هجمه به بنیادهای خانواده، اقتصادی و به‌هم‌ریختن ساختار مالی، اجتماعی و ایجاد آشوب و نظامی و هجوم گسترده راهبردی تهاجمی است که در آن، دشمن از همه عرصه‌های نبرد به‌طور هم‌زمان استفاده می‌کند تا به جبهه مورد هدف ضربه بزند و جهاد ترکیبی راهبردی دفاعی است که در آن به ابعاد متفاوت تهاجمی دشمن توجه شده است؛ جهاد ترکیبی با روشنگری براساس مبانی دینی و معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و با ایجاد هم‌افزایی و هم‌دلی در میان مردم و جهاد همه‌جانبه به پیروزی در نبرد حق می‌انجامد.

نوع پژوهش حاضر توسعه‌ای است، بدین معنا که نوشتار حاضر در بسط معنای جهاد ترکیبی و در ژرف‌اندیشی به مسئله مقابله با جنگ ترکیبی دشمن مفید است. در این نوشتار، از تحلیل محتوای کیفی و توصیفی به روش استنباطی-اجتهادی استفاده شده و داده‌ها از مقالات و کتاب‌های مرتبط با فقه و در ارتباط با مبانی فقهی جهاد ترکیبی جمع‌آوری شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که جهاد ترکیبی راهبردی انقلابی و مقاومتی است که بر مبانی فقهی نفی سیل و دفع سلطه دشمن، وجوب جهاد و دفاع از ارزش‌های دینی و وطنی، وجوب حفظ نظام و یاری به حکومت دینی برای برپایی عدالت بنا شده است و نیز طبق مصلحت حفظ نظام، جواز تجسس از نیروهای خودی و ورود به حریم خصوصی دیگران و جاسوسی از دشمن و گزارش‌دهی به مقام ارشد برای اطلاع از وضعیت دشمن و شکل‌دهی عملیات نفوذی و جهاد ترکیبی برای مقابله با جنگ ترکیبی از دیدگاه فقهی صادر شده است.

کلیدواژه‌ها: جهاد ترکیبی، جنگ ترکیبی، مبانی، فقه، نفی سیل، جهاد، تجسس.

مقدمه

انقلاب اسلامی با ارائه الگوی جدیدی از حاکمیت دینی، سبب تغییر هندسه قدرت از دو بلوک شرق و غرب به دو جبهه واقعی حق و باطل، گردید. ابرقدرتهای شرق و غرب با اجرای سلسله توطئه‌هایی در ابعاد مختلف و تحمیل جنگ همه جانبه به وسیله صدام علیه انقلاب اسلامی با شکست مواجه شدند.

پس از پایان دفاع مقدس، استکبار جهانی به رهبری امریکا، تقابل با انقلاب اسلامی را در سایر عرصه‌های مختلف جنگ نیمه‌سخت و نرم همچون تهاجم و شیبخون فرهنگی، تحریم اقتصادی، فتنه‌های امنیتی - سیاسی و ... دنبال کرد تا در مسیر تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی موانع و چالش‌های جدی ایجاد کند؛ اما توانست به موفقیت چشمگیری دست یابد. در ادامه مداخلات قبلی، جنگ ترکیبی پیچیده هوشمندی طراحی و اجرا نموده است. برای مقابله همه جانبه با جنگ ترکیبی دشمن بایستی جهاد ترکیبی انجام شود که این مقاله به تبیین مبانی فقهی آن پرداخته است.

بیان مسئله: در مقابله با جنگ ترکیبی دشمن، جهاد ترکیبی لازم است که مجاهدان با استفاده بهینه از منابع و قدرت‌های موجود جامعه به خنثی‌سازی حملات چندجانبه دشمن پردازند، رویکردی جامع و چندزمینه‌ای که از فناوری‌های نظامی، ارتباطات پیشرفته، تجهیزات دفاعی، منابع اقتصادی و توانمندی‌های فرهنگی در کنار هم بهره می‌گیرد تا به راهبرد مقاومت جمعی در برابر جنگ ترکیبی سامان دهد.

برای شکل دهی به جهاد ترکیبی، از آنجاکه کلیدواژه‌ای بدیع است، نیاز است که پایه‌های بحث و مبانی آن به درستی چیده شود و تبیین گردد. نوشتار حاضر - که پژوهشی اجتهادی، استنباطی و توسعه‌ای است - این مسئولیت را در حد توان خویش بر عهده گرفته است و درواقع، پاسخگوی این سؤال پژوهشی است که «مبانی فقهی جهاد ترکیبی کدام‌اند و این مبانی چگونه در ساماندهی راهبردهای جهاد ترکیبی مؤثرند؟»

اهمیت و ضرورت: اهمیت انجام این پژوهش در موارد زیر است:

۱- آگاهی مسئولان دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی نسبت به گستره اقدامات مقابله‌ای در برابر جنگ ترکیبی دشمن

۲- تقویت روحیه و عزم مدافعان امنیتی و دفاعی در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن

ضرورت: ضرورت انجام این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱- عدم آگاهی مسئولان دفاعی و امنیتی از محتوای معرفتی این پژوهش ممکن است خلاء معرفتی نسبت

به ابعاد مختلف جهاد ترکیبی به ویژه مبانی فقهی جهاد ترکیبی را به دنبال داشته باشد

۲- خلاء معرفتی نسبت به مبانی و مولفه‌های جهاد ترکیبی می‌تواند انفعال دینفعان دفاعی و امنیتی را به

دنبال داشته باشد.

۳-۱. اهداف اصلی و فرعی: هدف اصلی: تبیین مبانی فقهی جهاد ترکیبی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن و اهداف فرعی عبارت‌اند از: تبیین شاخص‌های جنگ ترکیبی، تبیین مبانی و مولفه‌های جهاد ترکیبی و تبیین چگونگی بهره‌گیری از توانمندی‌های فرهنگی در جهاد ترکیبی. سوال اصلی: مبانی فقهی جهاد ترکیبی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن چیست؟ و سوالات فرعی عبارت‌اند از: شاخص‌های جنگ ترکیبی چیست؟؛ مبانی و مولفه‌های جهاد ترکیبی چیست؟ چگونه از توانمندی‌های فرهنگی در جهاد ترکیبی بهره‌گیری می‌شود؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۱-۲. پیشینه پژوهش:

به دلیل این که مبحث جهاد ترکیبی در قبال جنگ ترکیبی و با رویکرد فقهی از مباحث نو و جدید است، تحقیقات و پژوهشی با این رویکرد انجام نشده است. بنابراین نگارنده برای موضوع مقابله با جنگ ترکیبی به موضوع "جهاد ترکیبی" بر اساس "مبانی فقهی" پرداخته است.

۲-۲. مبانی نظری

۱-۲-۲. جنگ ترکیبی

جنگی پیچیده و دانش‌بنیان که با به‌کارگیری هوشمندانه و یکپارچه همه مؤلفه‌های قدرت و ابزارهای تهاجمی متعارف و غیرمتعارف به‌ویژه توان شناختی به‌صورت هم‌افزا و هم‌زمان در ابعاد مختلف حکمرانی برای شکستن مقاومت و تسلیم حریف است.

جهاد ترکیبی

جهادی همه‌جانبه و بر اساس ارزش‌های الهی و دینی برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن است که با ترکیبی هماهنگ از تمام ابزارهای نظامی، دیپلماسی مناسب، اقتصاد پویا، فناوری‌های پیشرفته، فضای مجازی و رسانه، و معنویت در تلاش است تا بر دشمن برتری یابد.

۲-۲-۲. مبانی

مراد از مبانی گزاره‌های کلی‌ای از جنس «هست و نیست» است که ریشه و اساس همه فعالیت‌های پسینی و باید و نبایدها قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، مراد از مبانی فقهی گزاره‌هایی است که پایه و اساس بحث باشند و پرده از چگونگی اعمال قواعد فقهی بردارند. و مراد از قواعد فقهی این است: «انها قواعد تقع فی طریق استفاده الاحکام الشرعیة الالهیة و لایکون ذلک من باب الاستنباط و التوسیط بل من باب التطبيق؛ [قواعد فقهی] قواعدی است که برای به دست آوردن احکام شرعی الهی از آن‌ها استفاده می‌شود

و [این نحوه استفاده] از باب استنباط و واسطه قرار دادن برای حکم نیست [مانند قواعد اصولی]، بلکه این استفاده از باب تطبیق بر مصادیق است. (فیاض، ۱۴۱۹ق: ۱۱؛ نیز ر.ک. (بجنوردی، ۱۴۱۳ق، مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ۵۴۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷ق: ۸؛ ایروانی، ۱۳۸۷: ۱۲)، چنان‌که بر مبنای نفی سبیل که ریشه قرآنی و روایی دارد قاعده نفی سبیل در فقه تعبیه شده است.

۳-۲-۲. فقه

«فقه»، در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است (جوهری و همکاران، ۱۴۱۴ق: ۴۷۹)، چنان‌که ابن منظور می‌نویسد: «الفقه: العلم بالشیء و الفهم له و غلب علی علم الدین لسیادته و شرفه علی سایر انواع العلم و رجل فقیه: عالم و کل عالم بشیء فهو فقیه» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۲۲-۵۲۳)؛ و به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده (مجلس‌الاعلیٰ للقاہره، ۱۳۸۶ق: ۹). برخی آن را به پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۴۲) و شرتوتی فقه را به معنای غلبه علم و فهم و ادراک نسبت به چیزی دانسته است (الخوری الشرتوتی، ۱۳۸۹م: ۹۳۸). بدین سبب است که فقیه را به معنای دوام صفت «فهم و درک» در صاحب خود گرفته‌اند، چنان‌که راغب ذیل این واژه می‌نویسد: «تفقه إذا طلبه فتخصص». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۴۳)

این واژه در فرهنگ قرآنی به معنای تدبّر، تعمّق و فهم عمیق به کار رفته است. (ر.ک. نساء: ۷۸؛ منافقون: ۳ و ۷؛ انعام: ۶۵ و ۶۸؛ اسراء: ۴۴ و ۴۶؛ طه: ۲۸، توبه: ۱۲۲) و نیز در روایت از امام صادق (علیه‌السلام) به همین معنا آمده است: «إِذَا ارَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ؛ هرگاه خداوند خیر و سعادت بنده‌ای را بخواهد او را در دین، بصیر و آگاه می‌گرداند.» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۲) بدین ترتیب، فقه در لسان آیات و روایات مفهومی گسترده دارد که عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستورهای اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد، ولی به تدریج، در اصطلاح علما، به‌ویژه در اصطلاح فقها، تنها به «فقه‌الاحکام» اختصاص یافته است. امروزه، از کلمه «فقه» تنها مسائل عملی اسلام از واجب و حرام و مانند آن‌ها متبادر است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۶۵)

پس، در تعریف «فقه» - به معنای خاص - گفته‌اند: «الْفَقْهُ هُوَ الْعِلْمُ بِالْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ الْفَرَعِيَّةِ عَنْ ادِلَّتِهَا التَّفْصِيلِيَّةِ؛ فقه عبارت از علم به احکام فرعی شریعت از روی (منابع و) دلایل تفصیلی آن است.» (العاملی، بی تا، ج: ۱: ۹۰)

۴-۲-۲. چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش "قواعد و مبانی فقهی ناظر به جهاد و مقابله با اعدا و دشمنان" است.

مبانی فقهی جهاد ترکیبی گزاره‌های کلی‌اند از جنس «هست و نیست» که ریشه‌ها و پایه‌های فقهی جهاد ترکیبی را بیان می‌دارند؛ این مبانی از وجوب جهاد تا وجوب حفظ نظام اسلامی و نفی سلطه استکبار و ... می‌باشند. بنابر مصلحت حفظ نظام، احکام ثانویه‌ای برای مجاهد فی سبیل الله وجود دارد از جواز تجسس، جواز غیبت و جواز ورود به حریم خصوصی که برای نمونه مورد بحث این نوشتار است.

۳. روش تحقیق

در این تحقیق از روش اجتهادی استنباطی بر اساس قواعد و مبانی ارایه شده در کتب فقهی و اظهارات خبرگان حوزه مربوطه استفاده شده است.

۳-۳. مبانی فقهی جهاد ترکیبی

۳-۳-۱. نفی سبیل

این مبنا به این آیه شریفه قرآن مستند است:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. (نساء: ۱۴۱)

همان کسان که [از سر بدخواهی] چشم به شما دارند، پس، اگر شما را پیروزی و گشایشی از جانب خدا باشد، گویند: «مگر ما با شما نبودیم». و اگر کافران را بهره‌ای باشد، [به آن‌ها] گویند: «آیا بر شما آگاهی نیافتیم و شما را از [گزند] مؤمنان بازداشتیم». پس، خداوند روز رستاخیز میان شما داوری خواهد کرد و خدا هرگز برای کافران راهی [برای تسلط] بر مؤمنان ننهاده است.

مراد از نفی در مبنای نفی سبیل تنها نفی به معنای طرد و راندن نیست، بلکه مراد از نفی در قاعده نفی سبیل مسدود بودن و بستن است. (سیمایی صراف، ۱۳۷۹: ۲۵) و مراد از سبیل به معنای ساده «راه» (الشرتوتی، ۱۸۸۹: ۴۹۲؛ جوهری، بی تا: ۱۷۲۳) نیست بلکه مراد از سبیل در مبنای نفی سبیل عبارت است از: تسلیط، غلبه و حجت. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۲؛ ابن الجوزی، ۱۹۸۳: ۲۰۹)

از آنجاکه مراد از جعل در این آیه جعل تشریعی است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۸)، ترجمه ظاهر آیه چنین می‌شود: «حيث إن الظاهر من الآية أن المراد منها أنه تعالى لم يجعل و لن يجعل بالجعل التشريعي حكماً موجباً لتحقيق السبيل و السلطة للكافر على المؤمن» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۲۴۰).

در تفسیر آمده است: به هیچ وجه در هیچ زمانی کافر بر مؤمن مسلط و چیره نخواهد شد، چه در دنیا و چه در آخرت، چه از جهت غلبه احکام تشریع و چه از جهت غلبه ظاهری، زیرا خداوند مؤمنان را به

همه انواع حجت‌های آفاقی و انفسی مجهز کرده است. پس، تا زمانی که واقعاً مؤمن هستند به هیچ‌وجه مقهور کفار نخواهند شد، چنان‌که در آیه‌ای دیگر فرموده است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل‌عمران: ۱۳۹)» و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!». پس، اگر کفار در برهه‌ای از زمان چیره شدند، باید دلیل آن را در سست شدن ایمان و نزاع آنان بر سر متاع دنیا دانست. و نیز باید دانست که کشته شدن انبیا و صلحا و امامان معصوم (علیهم‌السلام) و دیگر شهدای اسلام به دست کفار به معنای تسلط و غلبه آن‌ها نیست، بلکه قاتل مغلوب است که ظلم روا داشته است، زیرا وی فقط بدن خاکی را از بین برده است ولی روح این شهدا غالب است که به درجات رفیع شهادت رسیده‌اند. (ر.ک. صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳۹۲-۳۹۴)

و نیز می‌تواند روایت «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ وَالْكَفَرُ يَمْنَزِلُهُ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَلَا يَرْتُونَ؛ اسلام نسبت به سایر مکاتب و ملل همیشه برتری دارد و هیچ‌چیزی بر آن برتری ندارد، و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند.» (ابن بابویه [شیخ صدوق]، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۳۴) مستند این مبنا باشد. این احتمال که فراز دوم از این روایت تفسیر شیخ صدوق بر فراز اول روایت باشد وجود دارد و شاید از این روست که شیخ حر عاملی در باب موانع ارث این روایت را بدون ذیل آن نقل کرده‌اند. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴) بدین ترتیب، صدر روایت تنها خبر از برتری اسلام در آینده نیست بلکه، به قرینه ذیل روایت و با توضیحی که عرض شد، برای جعل تشریعی است. پس، این روایت در پی بیان این حکم است که احکام شرعی اعم از عبادات و معاملات و سیاسات نمی‌تواند موجب علو کافر بر مسلم باشد. لذا، بجنوردی این تفسیر را این‌گونه آورده است: «والظاهر من هذا الحديث الشريف بقرينة ظاهر الحال انه في مقام التشريع وان الاسلام يكون موجبا لعلو المسلم على غيره في مقام تشريع احكامه و بالنسبة الى تلك الاحكام.» (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۹۰)

و نیز اگر عزت به معنای «تحمیل هیچ‌کس را قبول نکردن» (بیانات امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، ۱۳۷۰/۴/۱۸) باشد، تمام آیاتی که به عزت مسلمین تصریح یا اشاره دارد (برای نمونه: منافقون: ۸؛ محمد: ۳۵؛ نساء: ۱۳۹؛ ممتحنه: ۱)، می‌تواند اساس قاعده نفی سیل باشند.

مجاهد فی سبیل الله بر مبنای نفی سیل بر این باور است: در دین اسلام، حکمی که موجب سلطه کافر بر مسلمان باشد تشریع نشده است و در نفی سیل، تفاوتی بین نفوذ و سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی نیست. پس، برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن چاره‌ای جز جهاد ترکیبی و مقابله با نفوذ و سلطه دشمن از هر جهت نیست.

۳-۳-۲. وجوب جهاد

این مبنا به این آیه شریفه قرآن مستند است:

أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. (حج: ۳۹)

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است، چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست.

جهاد، در لغت، به معنای تحملِ مشقّت و نهایتِ تلاش و مبارزه برای دفع دشمن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۳۵) و نیز این واژه به معنای قتال (فراهیدی، ۱۴۱۹ق: ۲۶۹) و جنگ با دشمن (فیروزآبادی، بی تا: ۳۰۴؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ۱۵۵) آمده است. در اصطلاح فقهی، جهاد برای ایثار جان، مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپایی شعائر دین به کار رفته است (نجفی، ۱۳۶۲: ۳). بنابر نظر تفسیری، واژه جهاد بیشتر به جهاد دفاعی در مقابل دشمن استعمال می‌شود و گاهی مجازاً شامل دفع هر شرّی مانند دفع شیطان و نفس اماره نیز می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴۱۱) و نیز جهاد مقید به قید فی سبیل الله است تا کسی خیال نکند این تکلیف مهم شرعی برای گسترش مرزهای دنیوی است. ((طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۸۴) به نظر می‌رسد جهاد مفهومی دینی است که برای اعتلای کلمه الله و برای دفع ظلم و حمایت از مظلوم و برقراری عدالت است و با مفهوم جنگ و حرب که به انگیزه‌های دنیوی رخ می‌دهد متفاوت است. (القرضاوی، ۱۴۳۱ق: ۵۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶۱)، چنان‌که در آیه فوق، سبب جهاد و قتال ظلمی دانسته شده که دشمن بر پیکره مسلمان وارد کرده است.

بیان وجوب جهاد در برابر کسانی که به مسلمانان هجوم آورده‌اند، افزون بر اینکه خود وجوب عقلی (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۸۵) و شرعی (ر.ک. بقره: ۱۹۰؛ حج: ۳۹؛ نساء: ۷۵) دارد، طبق مبانی نفی سبیل نیز ممکن است. بنابر دیدگاه فقها، جهاد دفاعی از مسلمانانی که فریاد مظلومیت آن‌ها بلند است بر همگان واجب است. (العاملی، ۱۳۸۳: ۸؛ کاشف الغطاء، ۱۳۸۸: ۲۹۱)

مجاهد فی سبیل الله بر مبنای وجوب جهاد بر خود فرض می‌داند که از مسلمانان تحت ظلم، مثل مردم غزه، دفاع کند و در این جهاد، چنان‌که دشمن از جنگ ترکیبی بهره می‌برد، با شناخت کامل از مواضع و موقعیت دشمن، امکانات و فناوری‌ها، و راهبردها و تاکتیک‌های دشمن به جهاد ترکیبی دست بزند.

۳-۳-۴. وجوب حفظ نظام

طبق این مبنا حفظ نظام اسلامی واجب است و اندیشه‌ورزان و رهبران دینی به ممنوعیت هرآنچه سبب اختلال نظام می‌شود حکم کرده و به هرآنچه برای حفظ نظام ضروری است دستور داده‌اند. (ر.ک.

موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۱۱۲) لذا، فقها تعرض به بعضی حقوق را چنانچه حفظ نظام وابسته به آن باشد جایز می‌دانند، چنان‌که امام خمینی (قدس سره) می‌فرماید: «اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه‌مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، بر همه ما واجب است که جاسوسی کنیم. ... حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است.» (موسوی خمینی [امام]، ۱۳۸۵: ۱۱۶)

براین اساس، مجاهد فی سبیل الله بر این باور است: جهاد ترکیبی به هر نحوی که در حفظ نظام دخیل است جایز است. برای نمونه، نفوذ و هک کردن پایگاه‌های مجازی دشمن، رصد اطلاعاتی با پهپاد، ایجاد فضای مناسب برای جنگ نرم و عملیات روانی، و جاسوسی از امکانات و تجهیزات دشمن جزء راهبردهای جهاد ترکیبی قرار می‌گیرد. در ادامه به دو مورد از مواردی که بر مبنای حفظ نظام جواز فقهی گرفته است پرداخته می‌شود.

أ-جواز تجسس:

راهبرد جاسوسی از دشمن در جهاد ترکیبی بر مبنای وجوب حفظ نظام از دیدگاه فقهی تکیه زده است. به دلیل اهمیت بحث از جاسوسی و برای تعیین محدوده جواز تجسس از دیدگاه فقهی به این مقوله در این بخش از مقاله به تفصیل پرداخته می‌شود.

تجسس، از ریشه «جس، یجس»، به معنای حس کردن با دست برای شناسایی چیزی، و کنجکاوی در احوال و افعال پنهانی و مخفی دیگران و شناسایی پنهان و ظریف آن‌ها و جستجوی از درون امور آمده است. (محقق، ۱۳۶۴: ۸۶-۸۷)

ابوعبیده تحسّس و تجسس را به یک معنا گرفته است (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۵) اما دیگران این دو را متفاوت دانسته‌اند، بدین بیان که کسب اطلاعات از لغزش‌های مؤمنان تجسس و مورد نهی (حجرات: ۱۲) است و تفحص اطلاعات برای خیر تحسّس و جایز (یوسف: ۸۷) است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۲۳)

از کسی که تجسس می‌کند به تعابیر مختلفی یاد شده است: أ. جاسوس، بر وزن فاعول، کسی است که در اوضاع و احوال پنهانی مردم کنجکاوی کرده، به تجسس از اخبار می‌پردازد. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۲۳). ب. یکی از معانی «عین» جاسوس است، یا به این سبب که عمل جاسوسی با چشم انجام می‌پذیرد یا به دلیل اهمیت نگاه کردن و رؤیت. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۸۲؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۸۴؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۴۴۰). ج. سَمَاع، صیغه مبالغه از «سمع»، به معنای بسیار گوش‌گیر و گوش‌فرا دهنده، جاسوس و خبرجو است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۲۳-۳۲۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۴۶) که در این آیه آمده است: «وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ

لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لَقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ ...» (مائده: ۴۱-۴۲)؛ بسیار گوش گیر و گوش فراده‌اند برای اینکه بشنوند و درباره تو دروغ گویند و گوش گیر و جاسوس‌اند برای قوم دیگر که پیش تو نیامده‌اند [و می‌خواهند کلام تو را به آن‌ها برسانند].»

با توجه به معانی فوق برای جاسوس می‌توان به این نتیجه رسید که مورد نهی شده از تجسس به عبارت «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) مرتبط با معنای اول است؛ فراز «وَلَا تَجَسَّسُوا» بدین معنا است: از عیوب مردم تتبع و جستجو نکنید تا اموری که پوشیده ماندن آن‌ها را خوش می‌دارند، آشکار نشود. (ر.ک. مقدس اردبیلی، بی تا: ۴۱۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۲۴) یکی دیگر از آیاتی که بر حرمت تجسس در این معنا دلالت دارد و آن را قید می‌زند این است: «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می‌شناسد و شما نمی‌شناسید»، اما آنجا که طبق مبای حفظ نظام به تجسس در احوال دشمن است (معنای دوم) مورد نهی نیست بلکه در جهاد ترکیبی، این حربه در مقابله با نفوذ و تجسس دشمن است (معنای سوم) واجب است.

مجاهد فی سبیل الله، اولاً، بایستی در ارتباطش با بیگانگان و در حفظ اطلاعات و رازداری اهتمام داشته باشد تا مانع نفوذ و جاسوسی دشمن شود. بدین سبب است که خداوند متعال می‌فرماید:

«لَا يَخْذِلُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ.» (آل عمران: ۲۸)

مؤمنان به هیچ بهانه‌ای نباید کفار را ولی و سرپرست خود بگیرند با اینکه در بین خود کسانی را دارند که سرپرست شوند، و هرکس چنین کند دیگر نزد خدا هیچ حرمتی ندارد، مگر اینکه از در تقیه، سرپرستی کفار را قبول کرده باشند، و فراموش نکنند که در بین کسانی که ترس آورند خدا نیز هست و بازگشت همه به سوی خدا است. (قراآنی، ۱۳۸۳: ۴۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخْذِلُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ.» (آل عمران: ۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دوست و محرم رازی از غیر خود مگیرید که غیر شما لحظه‌ای از رساندن شر به شما نمی‌آسایند؛ آن‌ها دوست می‌دارند شما را به ستوه آورند. دشمنی درونی و باطنی‌شان با شما از مطاوی کلماتشان پیدا است. و آنچه در دل دارند، بسی خطرناک‌تر از آن است. ما آیات را برایتان بیان می‌کنیم، اگر تعقل کنید

نمونه‌ای از تأکید بر رازداری در جهاد ترکیبی توصیه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به سعدبن ابی وقاص آمده است، وقتی که وی را برای جاسوسی و تعیین تخمین تعداد دشمنان فرستاد که فرمود: «چون برگشتی، نزد هیچ‌یک از مسلمانان به من گزارش نده، مگر اینکه بگویی دشمن را اندک دیدم [و منتظر باش تا در خلوت حقیقت را به من بگویی.]» (الواقدی، ۴۰۹ق: ۲۰۷-۲۰۸) و نیز آن‌حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیش از جنگ بدر، اصلی را ابداع کرد که تنها در ارتش‌های جدید رایج است و آن اصل «فرامین مَهرشده» در سریه عبدالله بن جحش بود. (بیهقی، ۱۴۰۳: ۱۲)

مجاهد فی سبیل الله، ثانیاً، سعی کند تا با کاربست ترفندهای حفاظتی به کسب اطلاعات از دشمن بپردازد و از وضعیت و موقعیت دشمن تجسس نماید و تنها برای مقرر فرماندهی با هدف تکمیل کالک عملیاتی گزارش آورد، چنان‌که پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حذیفه بن یمان را برای جاسوسی از جمع مشرکان قریش و هم‌پیمانان آنان در جریان جنگ احزاب به جمع دشمنان فرستاد (مجلسی، ۴۰۴ق، ج ۴۴: ۳۲۹) و چنان‌که امام حسین (علیه‌السلام) برادرش محمد حنفیه را مورد خطاب قرار داده، می‌فرماید: «وَأَمَّا أَنْتَ يَا أَحْمَى فَلَا عَلَيْكَ أَنْ تُقِيمَ بِالْمَدِينَةِ فَتَكُونَ لِي عَيْنًا لَا تُخْفِي عَنِّي شَيْئًا مِنْ أُمُورِهِمْ؛ اما تو ای برادرم، لازم نیست مرا همراهی کنی بلکه در مدینه بمان و به عنوان چشم من باش و اوضاع مدینه را به اطلاع من برسان.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۷۸-۲۷۹)

ب. جواز ورود به حریم خصوصی:

مراد از حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد، نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد که دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند، یا به آن قلمرو وارد نشوند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۳۸؛ اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۵۷)

ورود به حریم خصوصی بنابر منع تجسس از احوال دیگران در حال عادی ممنوع است، چنان‌که خداوند متعال دستور داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بِيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا...؛ ای کسانی که ایمان آوردید! در خانه‌هایی غیر از خانه‌های تان وارد نشوید، تا اینکه به‌درستی رخصت طلبید..» (نور: ۲۷-۲۹) و یکی از ادله روایی در لزوم رعایت حریم خصوصی نهی صریح نبوی از اطلاع‌یابی و حریم‌شکنی افراد در محل سکونت می‌باشد. خانه یا مکانی که انسان در آن زندگی می‌کند حتماً حریمی است که انتظار می‌رود دیگران هیچگاه بدون اذن در آن وارد نشوند و از آن اطلاع‌یابی نکنند. (برای نمونه، ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۷) در برخی کتب روایی مبحثی تحت عنوان «النظر الی دار الغیر بغیر اذنه» وجود دارد. (مامقانی، ۱۳۸۲: ۵۰۶) و نیز رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از استراق سمع که یکی از موارد و درود به حریم خصوصی است نهی فرمود: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ

كَارَهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنَيْهِ الْآنُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس که به مکالمات دیگران در حالی که راضی نیستند، گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می‌شود. (ابن خالد برقی، ۱۳۷۱: ۶۱۶؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵: ۹۳) و براساس نهی صریح آیات و روایات، فقها به وجوب دفاع از حریم خصوصی فتوا داده‌اند. (برای نمونه ر.ک. (موسوی خمینی [امام]، ۱۳۸۶: ۵۵۸-۵۵۹)

بالین حال، مواردی در دست است که معصوم (علیه السلام) برای حفظ نظام خانواده یا سازمان جنگ یا حفظ نظام اسلامی دستور استراق سمع و جستجو از حریم خصوصی داده شده یا بدان اقدام شده است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک. کهوند، ۱۳۹۵) در ادامه، به مواردی از این دست محض نمونه اشاره شده است:

– برای حفظ خانواده: در خبر است که امام سجاد (علیه السلام) برای کشف حال یکی از زنان خود که متهم بود به اینکه از خوارج است و در غیاب آن حضرت از حضرت علی (علیه السلام) بدگویی می‌کند تجسس فرمود و گزارش دهنده را عتاب نکرد. (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۵۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۵۱) و در روایت است که موسی بن جعفر (علیه السلام) خود سخنان کنیزان و غلامان را مخفیانه گوش داد و چون به رابطه آن‌ها پی برد دستور داد که غلام‌ها را به شهری و کنیزها را به شهر دیگر فرستادند [و فروختند]. (حمیری قمی، بی تا: ۱۴۱)

– برای حفظ سازمان جنگ: نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در جنگ تبوک از مردم درباره افرادی که در جنگ حاضر نشده بودند تحقیق می‌فرمود [که چه کسی آمده و چه کسی نیامده و اگر نیامده، چرا؟]. (عزیزان، ۱۳۹۳: ۷۸۵) پس، مسئول سازمان جنگ حق دارد از آمار آن‌ها که در مأموریتی حضور نداشتید بپرسد و سبب حاضر نشدن آنان را جویا شود.

– برای حفظ نظام: حضرت علی (علیه السلام) در فرازی از عهدنامه، مالک اشتر را به استخدام جاسوس دستور می‌دهد تا کارگزارانش را زیر نظر بگیرد: «از افرادی که اهل صدق و امانت‌اند بر کارمندان خود ناظر و جاسوس قرار بده ... و اگر یکی از کارمندان خیانت یا فجوری مرتکب شد و گزارش‌های گزارشگران تو نیز در این مورد موافق با عملکرد او بود و بدگویی رعیت هم [در مورد این فرد] سخنان گزارشگران را تأیید کرد، همین مقدار در محکوم بودن او کافی است و گواه دیگری لازم نیست.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۶۹)

مجاهد فی سبیل الله، بنابر مصلحت حفظ نظام اجازه ورود به حریم خصوصی دیگران را در حد ضرورت و طبق دستور می‌یابد اما هرگز فراموش نمی‌کند که در این زمینه، افراط و حریم‌شکنی نکند، به اموال و ناموس دیگران دست‌درازی ننماید و نیت خویش را در این اقدام خالص نماید. این مورد یکی از مصادیق اقدامات امنیتی است که می‌تواند یکی از وجوه و ابعاد جهاد ترکیبی تلقی گردد.

ج. جواز غیبت:

غیبت، در لغت، اسم مصدر از «اغتَابَ، یغتَابُ» به معنای «حرف زدن پشت سر انسان به بدی یا آنچه که اگر بشنود، او را به اندوه بیندازد» آمده است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق: ۶۵۶) تعریف مشهور غیبت عبارت است از: «یاد کردن برادر مؤمن است در غیابش به چیزی که از نسبت دادنش به قصد انتقاص و مذمت بدش می‌آید.» (العاملی، ۱۳۹۰ق: ۵)

هرچند مصداق بارز غیبت زبانی است و در نصوص نیز کلمه «ذکر» در تعریف غیبت آمده که منصرف به ذکر زبانی است اما مراد واقعی از ذکر به زبان راندن نیست بلکه مراد از آن توجه دادن و یادآوری در مقابل اغفال است، خواه به کلام باشد، خواه خواه به فعل، و خواه به اشاره. (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۳۶۸) و یکی از مواردی که غیبت حساب می‌شود، هرچند در روایات به سبب مبتلا نبودن جامعه از آن یاد نشده است، غیبت با قلم است که مبتلا به آن روزنامه‌نگاران، سریع‌القلم‌ها و کسانی‌اند که در فضای مجازی با بارگذاری پست‌های هدفمند اندیشه‌های خود را القا می‌کنند.

توصیف حال غیبت‌کننده به کسی که گوشت برادر مرده‌اش را می‌خورد تنها تمثیل نیست بلکه واقعی است که خداوند از آن خبر داده است و روایات نیز مؤید آنند. (ر.ک. حجرات: ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۴۰)

باین‌حال، جواز غیبت به سبب مصلحت بالاتر و به حکم ثانوی و برای حفظ نظام در مواردی مثل گزارش‌دهی اهمیت می‌یابد. (برای نمونه، ر.ک. دعموش عاملی، ۱۳۸۲: ۴۴)

مجاهد فی سبیل‌الله، در صورت کسب اطلاع خاصی درباره دشمن نفوذی یا نیروی خودی فریب‌خورده مراتب را به صورت گزارش کامل و صادقانه به فرماندهی بالادست ارائه می‌کند و از ذکر مواردی که در تهیه گزارش ضروری نیست پرهیز می‌نماید.

یکی از راهبردهای حضرت امام رحمه الله بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگ و دینی بوده است مانند محرم و صفر ایشان می‌فرماید:

اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات سوگواری نبود، کشور ما پیروز نمی‌شد. همه در تحت بیرق امام حسین - سلام الله علیه - قیام کردند. الآن هم می‌بینید که در جبهه‌ها وقتی که نشان می‌دهند آن‌ها را، همه با عشق امام حسین است که دارند جبهه‌ها را گرم نگه می‌دارند. (صحیفه امام،

ج ۱۷، ص: ۵۹)

حضرت امام(ره) به منظور بستر سازی حرکت عظیم جهان اسلام در برچیدن غده سرطانی رژیم اشغالگر قدس و برگرداندن سرزمین قدس به جهان اسلام در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ برابر با ۱۳ رمضان

۱۳۹۹ طی پیامی به مسلمانان ایران و جهان آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز قدس» اعلام می‌فرماید:

«بسم الله الرحمن الرحيم من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمانان نمودم، که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است، و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند. (صحیفه امام: ۲۶۷)

استفاده از ظرفیت متراکم اسلام در وحدت جامعه و تولید قدرت راهبرد دیگری است که از آن استفاده شد.

«من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم و همان گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان‌ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان گونه که در جنگ نیز مظلومانه‌تر از انقلاب جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز را با اتکال به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خویش عمل خواهیم کرد.» (صحیفه امام: ۳۲۵)

مقام معظم رهبری حفظه الله نیز بر استفاده از قابلیت‌های درونی تاکید دارند.

«... ما برای مسائل اقتصادی کشور همه‌ی تلاشمان بایستی متمرکز باشد بر روی مسائل داخلی؛ آن پیشرفتی، آن گشایشی ارزش دارد که متکی باشد به قدرت درونی یک ملت. یک ملت اگر به قدرت خود، به توانایی‌های خود متکی بود، دیگر از اخم یک کشور، از تحریم یک کشور متلاطم نمی‌شود؛ این را باید ما حل کنیم. همه‌ی حرف ما با مسئولین - چه مسئولین گذشته، چه مسئولین امروز - همین است که باید برای گشایش مسائل کشور و مشکلات کشور، از جمله مشکلات اقتصادی، نگاه به درون باشد. ما در کشور ظرفیت‌های زیادی داریم؛ از ظرفیت‌های این ملت که عبارت است از، هم امکانات انسانی، هم امکانات طبیعی، هم امکانات جغرافیایی و موقعیت منطقه‌ای باید استفاده کرد.» (بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی: ۱۳۹۲/۸/۱۲)

«من به شما عرض کنم، برای یک ملت اگر عزت سیاسی و اجتماعی مطرح است، اگر رفاه مادی و رفاه در زندگی مطرح است، اگر رسیدن به آرزوها و آرمان‌های بزرگ معنوی و دنیایی و آخرتی - هر دو - مطرح است، اگر دنبال علم است، اگر دنبال قدرت جهانی و بین‌المللی است - و هرچه که این ملت به

دنبال آن است - این در صورتی تأمین می‌شود که این ملت بتواند عناصر و حالاتی را در خود به وجود بیاورد. اول از همه هم ایمان است؛ ایمان به همان هدف و ایمان به همان راه ... یک عنصر دیگر، احساس مسئولیت است. این ایمان باید همراه با احساس مسئولیت شود؛ یعنی انسان وظیفه‌ای را متوجه به خود بداند؛ بداند وظیفه دارد. بدون احساس مسئولیت، این ایمان کارایی خود را از دست خواهد داد. این دو عنصر باید با شجاعت، رشادت، روحیه آمدن به میدان و توجه به قدرت درونی خود همراه شود. چون یکی از چیزهایی که هر مجموعه‌ای را، هر ملتی را، هر سپاهی را دچار انهزام می‌کند، غافل ماندن از قدرت خود است.

... این اقتدار و نفوذ معنوی و سیاسی‌ای که شما نمونه‌ها و نشانه‌هایش را امروز در فلسطین و در بسیاری از کشورهای غیراسلامی می‌بینید، سعی می‌شود در چشم خود ملت ایران - به‌خصوص در چشم نسل جوان - مورد اغفال و تغافل قرار گیرد و انکار شود. یعنی وانمود شود که ملت ایران، ملتی منزوی و کنار افتاده است؛ کسی هم به او توجه ندارد! این کار آن دشمن است. چرا؟ برای این که ملت از هویت حقیقی خود و از آن نیروی عظیم و توانایی‌هایی که در اختیار دارد، غافل بماند. این یکی از نقشه‌های دشمن است. پس شجاعت و رشادت و آگاهی از توانایی‌های خود و اقتداری که به خاطر ایمان در این ملت وجود دارد هم، یکی از شرایط رقم زدن آن آینده است. اتحاد کلمه نیز همین طور. همه با هم متحد باشند». (بیانات معظم له در دیدار گروه کثیری از پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان (۱۳۷۹/۸/۱۱))

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

الف - نتیجه‌گیری: در این مقاله به نکاتی دست یافتیم که به اختصار بیان می‌شود:

- فقه در لسان آیات و روایات مفهومی گسترده دارد که عبارت از شناختی عمیق و وسیع نسبت به همه معارف دینی و دستورهای اسلامی است و به بخش خاصی اختصاص ندارد، ولی به تدریج، در اصطلاح علما، به‌ویژه در اصطلاح فقها، تنها به «فقه‌الاحکام» اختصاص یافته است.

- در پاسخ به سوال اصلی و تبیین مبانی فقهی جهاد ترکیبی مواذ ذیل بیان گردید:

مراد از مبانی فقهی گزاره‌هایی است که پایه و اساس بحث باشند و پرده از چگونگی اعمال قواعد فقهی بردارند.

- مبانی‌ای که در این نوشتار مورد بحث قرار گرفته‌اند عبارت است از: وجوب نفی سیل، وجوب

جهاد و وجوب حفظ نظام.

- مراد از نفی سیبل این است که در اسلام، حکمی که موجب سلطه کافر بر مسلمان باشد تشریع نشده است و در نفی سیبل، تفاوتی بین نفوذ و سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی نیست. مجاهد فی سبیل الله بر مبنای نفی سیبل بر این باور است: در دین اسلام، حکمی که موجب سلطه کافر بر مسلمان باشد تشریع نشده است و در نفی سیبل، تفاوتی بین نفوذ و سلطه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی نیست. پس، برای مقابله با جنگ ترکیبی دشمن چاره‌ای جز جهاد ترکیبی و مقابله با نفوذ و سلطه دشمن از هر جهت نیست.

- بنابر مبنای وجوب جهاد، جهاد دفاعی از مسلمانانی که فریاد مظلومیت آن‌ها بلند است بر همگان واجب است. مجاهد فی سبیل الله بر مبنای وجوب جهاد بر خود فرض می‌داند که از مسلمانان تحت ظلم، مثل مردم غزه، دفاع کند و در این جهاد، چنان‌که دشمن از جنگ ترکیبی بهره می‌برد، با شناخت کامل از مواضع و موقعیت دشمن، امکانات و فناوری‌ها، و راهبردها و تاکتیک‌های دشمن به جهاد ترکیبی دست بزنند.

- و بنابر مبنای وجوب حفظ نظام، هرکاری که در حفظ نظام دخیل است جایز است. براین اساس، مجاهد فی سبیل الله بر این باور است: جهاد ترکیبی به هر نحوی که در حفظ نظام دخیل است جایز است. برای نمونه، نفوذ و هک کردن پایگاه‌های مجازی دشمن، رصد اطلاعاتی با پهپاد، ایجاد فضای مناسب برای جنگ نرم و عملیات روانی، و جاسوسی از امکانات و تجهیزات دشمن جزء راهبردهای جهاد ترکیبی قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب، بنابر مبنای وجوب حفظ نظام، اصولی چون جواز تجسس، جوار ورود به حریم خصوصی و جواز غیبت در حفظ نظام بررسی شده است.

- مجاهد فی سبیل الله، بنابر مصلحت حفظ نظام اجازه ورود به حریم خصوصی دیگران را در حد ضرورت و طبق دستور می‌یابد اما هرگز فراموش نمی‌کند که در این زمینه، افراط و حریم‌شکنی نکند، به اموال و ناموس دیگران دست‌درازی ننماید و نیت خویش را در این اقدام خالص نماید. این مورد یکی از مصادیق اقدامات امنیتی است که می‌تواند یکی از وجوه و ابعاد جهاد ترکیبی تلقی گردد.

- مجاهد فی سبیل الله، در صورت کسب اطلاع خاصی درباره دشمن نفوذی یا نیروی خودی فریب‌خورده مراتب را به صورت گزارش کامل و صادقانه به سلسله مراتب فرماندهی ارائه می‌کند. و این جواز غیبت به سبب مصلحت بالاتر و به حکم ثانوی و برای حفظ نظام اهمیت می‌یابد.

در پاسخ به شاخص‌های جنگ ترکیبی موارد زیر احصا شد:

۱- جنگی پیچیده و دانش‌بنیان

- ۲- به‌کارگیری هوشمندانه و یکپارچه همه مؤلفه‌های قدرت
 - ۳- استفاده از ابزارهای تهاجمی متعارف و غیرمتعارف
 - ۴- بهره‌گیری از توان شناختی به‌صورت هم‌افزا و هم‌زمان
 - ۵- استفاده از تمام موارد فوق در ابعاد مختلف حکمرانی
 - ۶- هدفگذاری، شکستن مقاومت و تسلیم حریف است.
- در پاسخ به مولفه‌های جهاد ترکیبی نتایج زیر به دست آمد:
- ۱- جهادی همه‌جانبه بر اساس مبانی و ارزش‌های دینی است که در بخش مبانی فقهی به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره شد
 - ۲- این جهاد با ترکیبی هماهنگ از تمام ابزارهای نظامی، دیپلماسی، اقتصاد پویا، فناوری‌های پیشرفته، فضای مجازی و رسانه، و معنویت همراه است
 - ۳- در مقابله با جنگ ترکیبی دشمن هدف آن است تا از طریق تفوق و برتری بر دشمن، پیروزی کسب گردد..

در پاسخ به چگونگی بهره‌گیری از توانمندی‌های فرهنگی در جهاد ترکیبی موارد زیر به دست آمد:

برای این منظور از راهبردهای امامین انقلاب استفاده شد. از جمله:

بهره‌گیری از مناسبت‌های دینی مانند محرم و صفر، خلق ظرفیت‌های جدید و نهفته در بسیج جهانی مسلمانان مانند روز قدس، بهره‌گیری از ظرفیت متراکم اسلام ناب محمدی صل‌الله‌علیه و آله، تاکید بر تحصیل قدرت درونزا و استفاده از مولفه‌های قدرت معند و درونی مانند ایمان و احساس مسئولیت

ب- پیشنهادات

برخی از اصول و موارد مرتبط بااین موضوع از قرار زیر قابل بحث و بررسی بود ولی به خاطر محدودیت در حجم مقاله امکان پرداختن به آن نبود مانند: اصل عزت براساس آیه ۸ سوره منافقون و اصل تحصیل و تجميع قدرت برای بازدارندگی بر اساس آیه ۶۰ سوره انفال که ارتقا مجموعه توانمندی‌ها مطالبه شده است. در این مورد مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای می‌فرماید:

«حالا این قوت در وهله‌ی اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی -که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است- و قوت

تبلیغی. با گذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید.» (مقام معظم رهبری ۱۳۹۹/۱/۳)

موارد دیگر مانند اقدامات ویژه شامل حذف فیزیکی دشمن، تخریب مادی مانند ساختمان و درختان، جنگ روانی، گروگانگیری، اشاعه اطلاعات جعلی و... نیز در جهاد ترکیبی قابل بحث می‌باشد که با توجه به محدودیت حجم مقاله از پرداختن بدان صرف نظر گردید. پیشنهاد می‌شود محققان به این مباحث بپردازند.

- نظام اسلامی و دستگاه‌های مسئول بر اساس مبانی ارائه شده برای از بین بردن نقشه‌ها و دسیسه‌های دشمن همه ظرفیت‌ها را به کارگیری نمایند.

منابع

۱. کتابنامه
۲. قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه ای
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). *المحکم و المحيط الاعظم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقانیس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. ابن قیم الجوزی، شمس الدین عبدالله محمد بن ابی بکر (۱۹۸۳). *احکام اهل الذمه*، تصحیح صبحی صالح، بیروت: دارالعلم للملایین.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، چ ۳، بیروت: دار صادر.
۷. اسکندری، مصطفی (۱۳۸۹). «ماهیت و اهمیت حریم خصوصی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، ش ۵۸، ص ۱۴۷-۱۷۶.
۸. انصاری، باقر (۱۳۸۶). *حقوق حریم خصوصی*، تهران: سمت.
۹. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب مکاسب*، قم: باقری.
۱۰. ایروانی، محمدباقر (۱۳۸۷). *الحلقه الثالثه فی اسلوبه الثانی*، چ ۳، قم: فقه.
۱۱. بجنوردی، سیدحسن بن آقابزرگ موسوی (۱۴۱۹). *القواعد الفقهیه [۷ جلدی]*، قم: الهادی.
۱۲. بیهقی، احمد بن الحسین بن علی (۱۴۰۳ق). *سنن الکبری*، بیروت: دارالفکر.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)*، بیروت: دارالعلم.
۱۴. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (بی تا). *قرب الاسناد*، تهران: کتابخانه نینوا.
۱۵. الخوری الشرتونی، سعدی (۱۸۸۹م). *اقرب الموارد*، بیروت: بی نا.
۱۶. دعموش عاملی، علی (۱۳۸۲). *دائرة المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی*، ترجمه غلامحسین قاری مهیاری و رضا گرمابدری، تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۸. سیمایی صراف، حسین (۱۳۷۹). «بررسی قاعده نفی سبیل و بعضی از نمودهای آن در فقه و حقوق»، *ماهنامه دادرسی*، س ۴، ش ۲۰.
۱۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، چ ۲، قم: فرهنگ اسلامی.

۲۰. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *تفسیر المیزان*، قم: جامعه مدرسین.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
۲۲. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
۲۳. العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۸۳). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، تهران: بنیاد معارف اسلامی.
۲۴. العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۹۰ق). *كشف الریبه*، ج ۳، بی جا: دارالمرتضوی للنشر.
۲۵. العاملی، حسن بن زین الدین (بی تا)، *معالم الدین وملاذ المجتهدین*، بی جا، مؤسسه الفقه للطباعة والنشر.
۲۶. عزیزان، مهدی و دیگران (۱۳۹۳). *امنیت در قرآن و سنت*، قم: زمزم هدایت.
۲۷. فاروقی تهنوی، محمدعلی (۱۹۶۷). *کشاف اصطلاحات الفنون*، [افست] تهران، خیام.
۲۸. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶). *القواعد الفقهیه*، قم، مؤسسه الکلام.
۲۹. فیاض، محمداسحق (۱۴۱۹ق). *محاضرات فی اصول الفقه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر*، قم، مؤسسه دارالهجره.
۳۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا). *القاموس المحیط*، بیروت: دارالعلم.
۳۲. القرضاوی، یوسف (۱۴۳۱ق). *فقه الجهاد دراسة مقارنة لاحکامه و فلسفته فی ضوء القرآن و السنة*، قاهره: وهبه.
۳۳. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۳۸۸). *كشف الغطاء عن مبهات الشریعه الغراء*، قم: بوستان کتاب.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. کهنوند، حامد (۱۳۹۵). «تحلیل فقهی - حقوقی مسئولیت نقض حق حریم خصوصی»، *ویژنامه همایش اطلاعات و مردم اطلاعاتی*، تهران: دانشگاه افسری و پاسداری امام حسین (علیه السلام).
۳۷. مامقانی، عبدالله (۱۳۸۲). *مناهج المتقین فی الفقه ائمه الحق و الیقین*، نجف: بی نا.

۳۸. مجلس الاعلی للقاہرہ (۱۳۸۶ق). *موسوعة جمال عبدالناصر فی الفقه الاسلامی*، قاہرہ: مجلس الاعلی للشئون الاسلامیة.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الائمة الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. محقق، محمدباقر (۱۳۶۴). *دائرة الفوائد در فرهنگ قرآن*، تهران: بعثت.
۴۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *نرم‌افزار مجموعه آثار*، قم: علوم کامپیوتری نور.
۴۳. موسوی خمینی [امام]، سیدروح الله (۱۳۶۸). *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴۴. موسوی خمینی [امام]، سیدروح الله (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، نرم‌افزار صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
۴۵. موسوی خمینی [امام]، سیدروح الله (۱۳۸۶). *تحریر الوسیله (ترجمه)*، چ ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
۴۶. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*، تصحیح عباس قوچانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۷. الواقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق). *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، چ ۳، بیروت: مؤسسه الأعلمی

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۵ by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution ۴,۰ International (CC BY ۴,۰) <https://creativecommons.org/licenses/by/۴,۰>